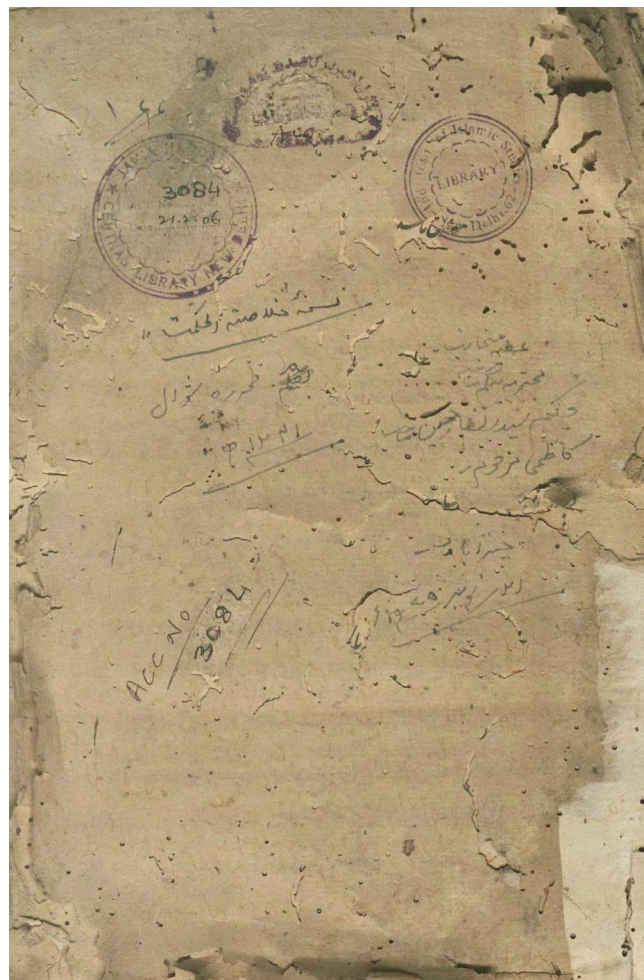




باید دانست و علم حکمت علمی است که حالت بدن انسان
 را می یابد و محافظه برستی و در حالت نخست از هر چه است و در محافظه
 آن از هر چه نیست و در مقام دوم به دست می آید از هر چه علمی و نظری و خنود را که
 بخود می آید و علم این است و در میان این دو علم می نامند که بیان از علم
 بدن انسان این بیان کیفیت عمل باشد که هر یک از این دو جزو است
 علم دیگری است و پس اینکه در نظر این علم تمامه علوم است و جزو علم محکم
 بر عمل است ابتدای جزو علمی که آن علم تا بطبع و در عمل بدن انسان
 و علم با سبب و دلیل است خود را هم در این علم است **فصل ه** در بیان
 انسان را که در صورت از ماده و از ارکان است که همه با هم یک
 بدن است و در سبب ساختن این ارکان خلل می رود و آخر از ارکان
 است که به سبب خلل در این ارکان و ارتباطی که در ارکان است با یکدیگر
 و در او همه شده بلکه هر صورت کلی است که در هر دو است و در او
 با طبیعت است که در این صورتش باشد با طبیعت است و در این صورت
 شبیه انسانی علم حکمت در ارکانی و در شصت صورت است و در او همه
 و در هر آن علم صورت ارتباط ارکان و در هر ارکان است
 از خللی و در آن روی و بیماری است علم در هر اصلاح آن و در او
 در هر یک که به وجود می آید و در او با طبیعت کل شیئی با آن که در او
اول در میان این علم در او در طبیعتی که ارکان و در هر ارکان

[illegible]

[illegible]